

غازانیه تبریز: نماد تحول فرهنگی مغولان^۱

پرویز علی اصل^۲

دانشجوی دکتری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل

اسلامی، تهران، ایران

شهرام یوسفی فر

دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، گروه تاریخ، تهران، ایران

چکیده

در طی قرن هفتم هجری، مغولان بخش بزرگی از سرزمین‌های شرق اسلامی را تحت سیطره خود گرفته در صحنه سیاسی و اجتماعی این سرزمین‌ها حضوری مسلط یافتند. آنان اقوامی بودند با زبان، فرهنگ، تعلقات آب‌وهوایی، سنت‌های کوچ‌رویی و ذهنیت‌های معماری متفاوت؛ از این رو در شهرک‌هایی که در کنار شهر پایتخت‌های خود بنا کردند، پرده منقوش فرهنگی خود را بر روی آن کشیدند، ولی باز اقلیت‌های قومی کوچکی بودند. اما این تمایز قومی و هویت فرهنگی مغولان با شیوه تسامحی که در زمان غازان خان (حک: ۶۹۴-۷۰۳ هـ) منجر به گزینش دین اسلام گردید، تفاوت بارزی یافت. این اعتقاد دینی با ماهیت فرهنگی‌ای که اساسا ایرانی بود، تقویت شد و قوام گرفت و فرهنگ مغولان را از معماری تا دینی از آشخور فرهنگ ایرانی - اسلامی سیراب کرد. کوس این تحول فرهنگی با ساخته شدن شهرک غازانیه تبریز در قلمرو ایلخانان طنین انداز شد. ساختار و کارکردهای این شهرک نشان دهنده تغییرات عمده اجتماعی - اعتقادی و سیاسی رخ داده در میان مغولان بود. این چنین بود که فرهنگ عشیره‌ای مغول که تنها در میان قبایل صحراگرد و در عرصه کارزار و غارت می‌توانست قدرت‌نمایی نماید، در جدال تمدنی و فرهنگی و حکومت که چیزی برای ارائه نداشت، آرام آرام رنگ باخت.

کلید واژه‌ها: شام / شنب غازان، غازانیه تبریز، مغول، ایلخانان، غازان خان.

۱. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۳/۲۹؛ تاریخ تصویب: ۱۳۹۰/۴/۱۵.

۲. نویسنده مسئول، پست الکترونیک: paliasl@yhoo.com

مقدمه

ترسیم تصویری از ساختار اجتماعی و چگونگی یک‌جانشینی ایلخانان در ایران با استناد آن به منابع، و تبیین عناصر زندگی کوچ‌رویی و مردم چادرنشین که ارتباطاتی با شهر دارند و در پی‌اند که در نزدیکی مناطق شهری اقامتگاهی برای خود بیابند، می‌تواند در تجزیه و تحلیل دگرگونی یا ثبات جامعه کوچ‌رویی مغول مؤثر باشد.

ترکیب قبایلی از اقوام مغول که اساس امپراتوری عظیم مغولان را تشکیل می‌داد، شیوه زندگی چادرنشینی و روابطی که از این شیوه زیست ناشی می‌شد، تا مدت‌ها بدون دخالت هرگونه قدرتی باقی ماند. اما سرازیر شدن غنایم و ثروت به مغولستان، جامعه عشیره‌ای مغول را آرام آرام دچار تغییرات اساسی و ماهوی کرد. این تغییرات به سرعت زمینه فروپاشی شیوه زیست ایلی را فراهم آورد و خان‌زادگان حاکم در امپراتوری مغولی را مجبور به تغییر رویه کرد. مغولانی که به ایران آمدند، تحت فشار نیازها و ضرورت‌های حکمرانی بر مردم یکجانشین، آرام آرام یکجانشینی اختیار کرده، در نزدیکی مناطق شهری اقامتگاه‌هایی برای خود ساختند؛ زیرا که بیابانگردان هرگز اندیشه زیستن در محیط محدود و بسته شهری را به سر راه نمی‌دادند. این اقامتگاه‌ها که در نزدیکی پایتخت‌های ایلخانان ایجاد شده بود، نه تنها باعث اختلاط جامعه یکجانشین با جامعه کوچ‌رو گردید و فرهنگ‌های آنان را در هم آمیخت، همچنین به ایجاد پدیده نوینی در عرصه‌های معماری و شهرسازی انجامید که در منابع آن دوره به «ابواب البر»^۱ موسوم گشته است. این نوع پدیده معماری مجموعه‌ای از ساخت‌وسازها و فضاهای مستقل شهری بود که مقبره بانی آنها به عنوان عنصر سازمان دهنده سایر فضاهای اقماری مجموعه به شمار می‌آمد. اولین نمونه از این نوع در دوره ایلخانی، شهرک شام / شنب‌غازان در غرب تبریز بود، که از زمان بنای تخت جمشید به بعد، در تنوع، سازمان و عظمت همتایی نداشت.^۲ در این شهرک بود که گرایش‌های مقوم زیست کوچ‌رویی در کنار گرایش‌های مقوم زندگی یکجانشینی بروز یافته، کانونی برای شروع تغییرات اجتماعی و اقتصادی در حیات مغولان شد.

۱. رشیدالدین، جامع‌التواریخ، ۹۹۳؛ مستوفی، تاریخ‌گزیده، ۶۱۰؛ پرّ، به معنی نیکوکاری، مفهوم بسیار گسترده‌ای دارد و تمام نیکوکاری‌ها را شامل می‌شود؛ نیکوکاری‌های معنوی، مادی، فردی، اجتماعی، اخلاقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و مانند آن (نک: آذرنوش، ۳۱)؛ منظور از ابواب البر در دوره ایلخانی تأسیسات عام‌المنفعه‌ای بوده که خدمات متعددی را برای مردم ارائه می‌کرده است.

۲. پوپ، ۱۷۲.

دگرگونی‌هایی که در این دوره در بخش اجتماعی، اقتصادی و یا در بخش سازمان اداری و سیاسی و نظایر اینها پیش آمد، همگی در شهرک غازانیه تبریز بروز مادی و کالبدی یافت. از این رو شهرک غازانیه به عنوان مرکز مغولان در دوره‌ای خاص می‌تواند، از منظری متفاوت توضیحات کافی بر روند دگرگونی یا ثبات جامعه کوچ‌رویی مغول و تحول فرهنگی آنان به‌دست دهد.

غازانیه تبریز

شام یا شم قریه‌ای در غرب شهر تبریز در ساحل آجی چای بوده است که در دوره ایلخانان تبدیل به یکی از کانون‌های تجمع و استقرار مغولان گردید. درباره تاریخ قبل از دوره مغول این قریه اطلاعی وجود ندارد.

وجه تسمیه شام / شنب

در جامع‌التواریخ، «شم» و «شنب»^۱ و در تاریخ غازانی «شنب»^۲ و در تاریخ و صاف و نزهه القلوب «شام» آمده است.^۳ لغت «شم» در فرهنگ فارسی به فتح «شین» و گاهی به ضم آن به معنی «گنبد» و «قبّه» به کار رفته است.^۴ ظاهراً «شنب» به این معنا در فارسی قدیم نیست و بعد از ساخت قبّه و گنبد غازانی (مقبره غازان) در آن منطقه، وارد زبان فارسی شده و «شم» تصحیف آن است.^۵ در وجه تسمیه این کلمه گفته‌اند: چون غازان از شام و فتحی که در آن نواحی کرده بود، بازگشت، و به ساختن این بنای عظیم همت گماشت، به «شام» معروف گردید. این سخن درست نمی‌نماید، زیرا پیش از غازان نیز این محل را «شم» می‌خواندند، چنان‌که ارغون‌خان، پدر غازان نیز عمارت ارغونیه را در همین محل «شم» بنا کرده بود.^۶ این محل قبل از حمله مغول دشت وسیعی بوده که در آن سبزی‌کاری و کشاورزی صورت می‌گرفت

۱. رشیدالدین، جامع‌التواریخ، ۹۳۳، ۹۹۷، ۹۹۶.

۲. همو، ۲۰۸.

۳. و صاف‌الحضره، ۳۸۲/۳؛ مستوفی، نزهه القلوب، ۷۶.

۴. نک: دهخدا، ۱۴۰۴/۹-۱۴۰۳۹؛ مشکور، ۴۷۳.

۵. مشکور، ۴۷۲.

۶. جنگ با ممالیک مصر و شام نک: نخجوانی، تجارب السلف...، ۳۵؛ Blair, "Tbriz", EI2, X/43.

۷. رشیدالدین، جامع‌التواریخ، ۸۲۳/۲. EI2, X/43. Minorsky, "Tabriz",

و در زبان پهلوی آذری به معنی اراضی مسطح و سبزه‌زار است؛ هم‌اکنون در آذربایجان به دشت‌های مزروع و چمنزار به خصوص جاهایی که برنج کشت و از آب رودخانه آبیاری می‌شود، شام گویند. لفظ «شم» هم با کلمه «شام» یکی است و به همان معنی یعنی سبزه‌زار بوده است و معنی «قبه» و «گنبد» تازه است.^۱

آغاز شهرسازی در «شم» تبریز

قبل از غازان، ارغون خان در منطقه غرب تبریز در ناحیه‌ای موسوم به شم شروع به ایجاد آبادانی نمود. بنا به گفته رشیدالدین فضل‌الله، ارغون به کار عمارت عظیم مایل بود و در موضع شم تبریز شهری معظم بنیاد کرده، خانه‌هایی ساخت. وی برای رونق گرفتن این منطقه، مردم را برای بنای خانه در آنجا تشویق کرد و قناتی به نام ارغونیه در آن جاری ساخت.^۲ اما این گونه از اقدامات عمرانی مغولان تا زمان غازان، در عرصه‌های معماری و شهرسازی، به دلیل کوتاهی عمر ایلخانان، عدم تجارب کافی و مهارت‌های لازم و همچنین مدیریت ضعیف و ناکارآمد، چندان موفقیت‌آمیز نبود.^۳

با جلوس غازان خان، نواده هولاکو بر تخت سلطنت در سال ۶۹۴هـ الگوی زندگی در ایران با شدت بیشتری به جهت دولت اسلامی متوجه شد.^۴ غازان خان با بررسی علل ناکارآمدی فعالیت‌های عمرانی ایلخانان قبل از خود، در عرصه مدیریت مالی و منابع انسانی، افراد امین و مورد اطمینان را نصب کرد که رشیدالدین از آنها با عنوان «خواجگان معتبر و نویسندگان درست‌قلم و معماران مهندس»^۵ یاد می‌کند. امر نظارت و برآورد هزینه‌ها و نیز اجرا را با جدیت جدیت اعمال کرد، تا این که غلّ و غشی در خرید وسایل لازم و نیز اجرای درست ساختمان،

۱. دهخدا، همانجا؛ نخجوانی، *تجارب السلف*، ...، ۳۶؛ مشکور، ۴۷۳. لازم به ذکر است که نظام‌الدین شامی مؤلف تاریخ امیر تیمور (*ظفرنامه*) منسوب به همین محله است.

۲. رشیدالدین، *جامع التواریخ*، ۸۲۳.

۳. نک: همان، ۹۹۳.

۴. نک: اشیولر، *تاریخ مغول در ایران*، ۱۹۳.

۵. رشیدالدین، همان، ۹۹۳.

پیش نیاید^۱. این خود حکایت از علاقه‌مندی ایلخان به معماری و شهرسازی دارد که نتیجه آن رشد آبادانی و پدیده‌های معماری و شهرسازی به صورت نوین بود^۲.

اولین اقدام غازان خان، که در معماری و شهرسازی مؤثر واقع شد، قطع کامل آثار و ظواهر باقی‌مانده از وفاداری و تبعیت از خاقان مغول در مغولستان بود؛ این امر باعث ترک بیشتر آیین و رسوم مغول و قبول فرهنگ ایرانی-اسلامی گردید^۳، از این رو در دوره ایلخانی وی، پدیده نوینی در عرصه‌های معماری و شهرسازی موسوم به «ابواب البر»^۴ شکل گرفت که در این طرح، مقبره بانی به عنوان عنصر سازمان دهنده سایر فضاهای اقماری مجموعه مشهور شد. مجموعه غازانیه تبریز اولین نمونه از این‌گونه پدیده معماری در زمان ایلخانان بود.

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، وزیر غازان خان، عناصر اصلی فضایی و مکانی ابواب البر غازانیه را اساسا الهام گرفته از اماکن متبرکه می‌داند^۵، اما این پدیده معماری خالی از شیوه شیوه زندگی چادرنشینی آنان نیز نبود؛ زیرا مغولان بر حسب عادت در جابه‌جایی‌ها و کوچ‌ها، کاروان‌هایی موسوم به «اردو» تشکیل می‌دادند که به یک هنگام در یک محل اجتماع می‌کردند. رشیدالدین آن را به مغولی «کوران» به معنی حلقه، آورده که بزرگ ایشان چون نقطه در میان دایره می‌بود^۶. هسته مرکزی همه بناهایی نیز که به دستور غازان در شام تبریز ساخته شد، مقبره بلندپایه غازان خان بود و بقیه تأسیسات گرد آن حلقه زده بودند.

علل و عوامل ایجاد ابواب البر غازانیه در دوره غازان

غازان که با مشاهده قبور ائمه اطهار و سایر بزرگان دینی و عرفا، به علل رونق این مراکز و احترام خاص آنها در نزد مردم پی برده بود، کوشید با اختصاص موقوفات بسیار در اطراف مقبره خود، یک بنیاد بزرگ علمی - مذهبی و عام‌المنفعه بنا نماید تا بدین وسیله آرامگاه خود را نیز

۱. همانجا.

۲. ویلبر، ۱۸.

۳. اشپولر، همانجا.

۴. رشیدالدین، همان، ۹۹۳.

۵. همان، ۹۹۷.

۶. همان، ۱۷۵.

همواره دایر و پررونق نگه دارد.^۱ او دستور اکید داد که گنبد مقبره، باید بالاتر از گنبد مقبره سلطان سنجر بنا شود، یعنی بلندترین گنبد در زمان او باشد.^۲

موضوع اساسی که باید در اینجا مد نظر قرار گیرد این است که احداث گنبد و بنایی برای آرامگاه ابدی سلطان، اقدامی تازه و مغایر با سنت‌های مغولی بود. زیرا مغولان پیش‌تر مقابر شاهزادگان و خوانین را پنهان می‌ساختند^۳ و به قول حمدالله مستوفی «در تخمه پادشاهان مغول پیش از او (غازان) هیچ پادشاه را گور آشکار نبود»^۴ از این نظر دوران حکومت غازان یک نقطه عطف به شمار می‌رود. اگرچه رهایی از خوی صحراگردی برای مغولان با این سرعت بسیار دشوار به نظر می‌رسید، اما خواجه رشیدالدین سعی دارد این رویداد را تحول نگرش صحراگردی مغولان و گذار به دوره یک‌جانشینی معرفی نماید که در پرتو گرایش به اسلام و تأثیرپذیری از مشاهد و مقابر علی بن موسی الرضا(ع) و شیوخ متصوفه به دست آمده بود.^۵ اما در حقیقت، رشیدالدین که اندیشه‌های سیاسی‌اش تحت تأثیر اعتقادات اسلامی، سنت‌های ایرانی و قوانین و افکار مغولان شکل گرفته بود^۶ با تحریک حس میل به جاودانگی در غازان خان^۷، موجبات تأسیس این ابواب البر را فراهم کرد.

در واقع رشیدالدین به ضرورت اصلاح نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دوره ایلخانی واقف بوده و آن را عاملی مهم در تسهیل روند بازسازی کشور و رونق و احیای مراکز شهری می‌دانست؛ زیرا کمترین تأثیر حضور عناصر صحراگرد مغول در ایران، گسترش چراگاه‌ها، مراتع و نابودی روستاها و مراکز یک‌جانشینی ایران بود.^۸ تضاد زندگی صحراگردی و یک‌جانشینی در این تعارض و تفاوت معیشتی محدود نمی‌شد، بلکه در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، اعتقادی و سیاسی شکاف‌های بزرگی را نمودار می‌ساخت.^۹ قبل از رشیدالدین نیز صاحب‌منصبان ایرانی از

۱. رشیدالدین، تاریخ مبارک غازانی، ۲۰۸

۲. نک: رشیدالدین، جامع التواریخ، EI2, X/43:۹۹۷، Minorsky, "Tabriz",

۳. رشیدالدین، همان، ۹۹۷

۴. مستوفی، تاریخ گزیده، ۶۰۶

۵. رشیدالدین، جامع التواریخ، ۹۹۷

۶. رجب زاده، ۹۰

۷. نک: رشیدالدین، همان، ۹۹۷

۸. اشپولر، اوضاع سیاسی ایران، ۷

۹. پطروشفسکی، اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان، ۴۶۲/۵

زمان تأسیس حکومت ایلخانی کوشیده بودند تا آسیب‌های ناشی از این تعارض را در مناسبات ایلخانان با رعایا و یا به تعبیری حکومت و جامعه، تعدیل نمایند^۱ که این کوشش‌ها در فرایندی تدریجی سرانجام در دوره ایلخانی غازان، با اسلام آوردن وی به ثمر نشست. اسلام آوردن غازان فراتر از جنبه اعتقادی در عرصه زندگی سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی جامعه ایرانی نتایج مهمی به همراه داشت^۲. بنابراین، اصلاحات منسوب به غازان کوششی مهم در جهت تبیین نظری تحولی بود که در فرایندی تدریجی از آغاز دوره ایلخانی به وسیله صاحب منصبان ایرانی پی‌گیری شده بود.

برای پشتوانه اجرایی اصلاح نظام سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در دوره ایلخانی غازان، و صاف همچنین از تدوین قانونی به نام «دستورالمملکه» توسط رشیدالدین خبر داده که در آن علاوه بر قاعده‌مند کردن خراج و مالیات‌های دیگر، به قانونمند کردن گسترش ساختمان‌سازی در شهر و آبادی شهر و روستا تأکید شده بود^۳. این اقدام خواجه رشیدالدین ضربه‌ای دیگر بر پیکر عنصر کوچ‌روی مغول بود، زیرا «مغول را در شهرنشینی خلاف توره چنگیزخان است»^۴ و در چارچوب تفکرات قبیله‌ای، شهرسازی و اقدامات عام‌المنفعه جایی نداشت، چه مغولان به محدوده تحت سیطره خود به چشم طعمه و غنیمت می‌نگریستند.

تاریخ تأسیس بنا

غازان دستور داد که عملیات ساختمانی در مقر ارغونیه در شام، واقع در غرب تبریز، آغاز گردد. و صاف تاریخ شروع بنای شام غازان را ۶۹۷ هـ و تاریخ اتمام آن را ۷۰۲ هـ ذکر می‌کند و بدین ترتیب یک‌سال در بیان تاریخ شروع، با رشیدالدین فضل‌الله همدانی که آن را به سال ۶۹۶ هـ آورده، اختلاف دارد^۵. اول پی قبر غازان قرار داده شد و چنان که در *جامع التواریخ* آمده، طراحی گنبد کار خود غازان بوده است: «در خارج شهر در جانب غربی در موضع شنب

۱. همان، ۴۶۵/۵.

۲. اشپولر، همان، ۱۷؛ پطروشفسکی، همان، ۴۶۷/۵.

۳. و صاف الحضره، ۳۴۷/۳.

۴. عبدالرزاق سمرقندی، ۱۹۲.

۵. نک: و صاف الحضره، ۳۸۲/۳؛ رشیدالدین، *جامع التواریخ*، ۹۳۳.

خویشتن طرح کشیده آن را بنا نهاد^۱. در تاریخ، این اولین باری است که از توجه و دقت پادشاه به مسائل مخصوص ساختمانی و هنری گفت‌وگو می‌شود.^۲ عملیات ساختمانی در شام غازان به سرعت پیشرفت می‌کرده است؛ زیرا کمتر از دو سال بعد از آغاز ساختمان مقبره، یکی از پسران غازان به نام «الجو» وفات کرد و بنا چندان پیش رفته بود که توانستند او را همان‌جا به خاک بسپارند.^۳

آرایش فضاهای معماری مجموعه شام غازان

شام غازان، وقفنامه مفصلی با موقوفاتی وسیع بود که متأسفانه اصل آن در دست نیست، ولی شرایط آن به‌اختصار در بعضی از کتب مورخان این دوره، از جمله در جامع‌التواریخ نقل شده است. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی بر اساس وقفنامه شام غازان، فضاهای معماری آن را شرح داده است؛ بنا بر نوشته وی شام غازان جز مقبره غازان، دارای تأسیسات و بناهای متعدد با کارکردهای گوناگون بوده است.^۴ شرح جزئیات بناهای مذکور جز در جامع‌التواریخ، در کتاب تاریخ و صاف نیز آمده است؛ بنابراین می‌توان از نظر صحت آن دو را با هم مقایسه کرد.

وصاف ابعاد و اجزای گنبد را چنین توصیف می‌کند: ۱۴,۴۰۰ نفر کارگر و معمار در ساختن آن مشارکت داشتند. در شالوده این عمارت، مقدار زیادی آهن‌آلات و ارزیر (قلع) که از روم وارد کرده بودند، به کار بردند. هنگامی که دایره گنبد از سطح زمین ارتفاع یافت، دیوارها را با استفاده از آجر برآوردند. ضخامت دیوارها، سی و سه آجر به هم چسبیده بود و هر یک از آجرها، ده من^۵ تبریز وزن داشت. ارتفاع گنبد صد و سی و سه گز و طول دیوارها هشتاد گز بود. کتیبه و شرفات قبه، ده گز، طاس قبه چهل گز و محیط آن پانصد و سی گز بود. کتیبه‌های داخل و خارج گنبد به نقش‌ها و خطوط بسیار نیکو مزین بود و بنا به نوشته مورخان، کتیبه‌ای به انشای یکی از دانشمندان عصر به زبان عربی در پیشانی گنبد غازان بر

۱. رشیدالدین، همان، ۹۹۷.

۲. ویلبر، ۱۹.

۳. رشیدالدین، همان، ۹۴۳.

۴. نک: رشیدالدین، همان، ۹۹۸-۱۰۰۲.

۵. «من تبریز» در زمان ایلخانی «۸۳۳گرم» بوده است. (نک: هینس، ۲۷).

آجرهای کاشی با خطی عالی منقش شده بود.^۱ این بنا به شکل برج دوازده ضلعی بلندی بوده که روی آن گنبدی عظیم ساخته بودند و بیشتر به برج‌های مراغه شباهت داشت تا به مقبره سلطان سنجر یا به مقبره اولجایتو در سلطانیه.^۲

عمارت دوازده ضلعی مقبره غازان، در کف زمین سردابی داشت^۳ و انتخاب طرح دوازده ضلعی توسط غازان، موضوع تمایل وی به مذهب تشیع و اشاره به تعداد امامان شیعه را تداعی می‌کند. هشتاد عدد قندیل زرین و سیمین که وزن هر یک از آن‌ها پانزده من بود از سقف مقبره آویخته بودند و سیصد من لاجورد در نقش سقف و جدار آن قبه صرف شده بود.^۴

تأسیسات دیگری که در اطراف مقبره وی بنا شد، عبارت بودند از: مسجد جامع، خانقاهی برای درویشان، یک مدرسه برای استفاده فرقه شافعی و مدرسه دیگری برای پیروان فرقه حنفی، بیمارستان، کاخی برای امور اداری جهت گذاردن دفاتر و قوانینی که غازان وضع کرده بود که در حقیقت مرکز بایگانی اسناد بود (بیت القانون)، یک کتابخانه، رصدخانه، یک حوضخانه (آب انبار)، حمام، اقامتگاهی برای سادات و یک کوشک و باغ عالی موسوم به عادلیه.^۵ غازان به والیان خود در ولایات دیگر دستور داد، انواع درختان میوه‌دار، ریاحین و حبوبات که در تبریز نبود، نهال یا بذرشان را آورده در آنجا بکارند؛ وی چنان به این کار اهتمام داشت که ایلچییانی را برای آوردن نهال درختان، حتی به هند و چین و سرزمین‌های دیگر فرستاد.^۶

مقبره سلطان غازان و تأسیساتی که وصفش گذشت، هسته مرکزی و ساختار شهر را شکل می‌دادند. تأسیسات خیریه مزبور در وسط باغ‌هایی قرار داشت که اطراف حومه غازانیه بود که به زودی از لحاظ عظمت با تبریز رقابت کرد.^۷ در باغ‌های اطراف شهرک، کاروانسرا، بازار و حمام ساخته بودند تا بازرگانانی که وارد شهرک می‌شدند، بتوانند از تسهیلات تجاری و وسایل

۱. و صاف‌الحضره، ۳۸۲/۳؛ خواندمیر، ۱۸۸/۳-۱۸۷.

۲. نک: گدار، ۴۳۱-۴۳۰؛ مشکور، ۴۷۶؛ EI2, X/43, "Tabriz", Minorsky.

۳. نک: رشیدالدین، ۱۰۰۲/۲؛ آیتی، ۲۳۰/۳؛ مشکور، ۴۸۳.

۴. خواندمیر، ۱۸۸/۳-۱۸۷؛ آیتی، همان، ۲۳۰/۳.

۵. رشیدالدین، همان، ۹۹۸-۱۰۰۲؛ و صاف، ۳۸۲/۳-۳۸۴؛ EI2, X/43, "Tabriz", Minorsky؛ گدار، ۴۳۱-۴۳۰.

۶. رشیدالدین، جامع‌التواریخ، ۹۹۶.

۷. همانجا.

راحتی شخصی استفاده کنند.^۱ شرح موثق ابن بطوطه که دو دهه پس از اتمام ساختمان این ابنیه، در یکی از این مهمانسراها منزل کرده بود، در دست است.^۲

منابع مالی و مدیریت ابواب البر

پس از اتمام مجموعه شام غازان، برای نگاهداری ساختمان‌ها و تجهیزات آنها غازان مقداری از املاک خالصه خود را وقف کرد.^۳ وی تولیت آنجا را به خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی سپرد.^۴ درآمد اوقاف املاک غازان، جهت مجموعه شام غازان در سال یکصد تومان (معادل ده هزار دینار^۵) بوده است.^۶

موقوفاتی که برای دستگاه مزبور اختصاص یافت، بعضی از آنها برای چیزهایی بود که در زمینه موارد مصرف، مسبوق به سابقه در سنت موقوفات نبود. یکی برای تهیه اثاثیه و چراغ و فرش و چوب و عطر جهت ساختمان‌ها بود و دیگری برای پرداخت هزینه دفن غریبه‌هایی که در تبریز می‌مردند و ماترکی برای مخارج دفن نداشتند. یک صندوق دیگر برای خرید و تهیه دانه‌ها و حبوبات در ماه‌های سرد برای تغذیه کبوتران و سایر پرندگان که بر پشت بام مجموعه می‌ریختند، دیگری برای تهیه پشم برای رسیدن جهت پانصد زن بیوه بود، دیگری برای تهیه ظروف سفالینی که کنیزکان و غلامان در موقع کشیدن آب از چاه می‌شکستند تا مورد مؤاخذه مالک خود قرار نگیرند، پاک کردن راه‌های منتهی به تبریز تا فاصله هشت فرسنگی، نگهداری و تعلیم کودکان بی سرپرست و ...^۷

علل انتخاب منطقه شام

«شام تبریز» قریه‌ای در غرب شهر، در ساحل آجی‌چای بود و حتی بعد از دوره حکومت غازان با این که تبریز وسعت قابل ملاحظه‌ای یافت، هنوز شهر به آنجا نپیوسته بود و این منطقه در

۱. همان، ۹۹۶/۲؛ و صاف الحضرة، ۳۸۴/۳-۳۸۳.

۲. نک: ابن بطوطه، ۲۸۴-۲۸۳/۱.

۳. رشیدالدین، همان، ۱۰۰۲؛ نخجوانی، ۱۸۳.

۴. رشیدالدین، تاریخ مبارک غازانی، ۲۰۹.

۵. تومان: ده هزار دینار که عبارت از ده هزار مثقال زر مسکوک باشد (مینورسکی، ۲۱).

۶. کاشانی، ۹۳؛ لمبتن، ۱۶۸؛ آیتی، ۲۳۱/۳؛ Minorsky, X/43.

۷. نک: رشیدالدین، جامع التواریخ، ۱۰۰۰-۱۰۰۲؛ خواندمیر، ۱۸۹/۳.

خارج باروی دوم شهر (باروی غازانی) قرار داشت. آن چه در اینجا حائز اهمیت و مورد توجه است، مکان غازانیه است. چرا غازان آرامگاه خود را در بیرون حصار شهر بنا کرد؟ آیا انتخاب غازان خان برای ساختن مقبره و آرامگاه ابدی برای خود در شام، امری تصادفی بوده یا از سر اندیشه؟ چنان که قبلا گفته شد، غازان اولین حاکمی نبود که فرمان داد، بنایی در شام بسازند، پدرش، ارغون خان، که چهارمین ایلخان بود، پیش از او فرمان داد تا بنایی رفیع در آنجا بسازند که ارغونیه نام گرفت^۱. بدون تردید در منطقه «شام» خصوصیتی وجود داشت که حکام مغول را مجذوب خویش می گردانید. دسترسی آسان به آب در «شام» را می توان یکی از مزیت های اساسی این منطقه ذکر کرد؛ بنا به گفته حمدالله مستوفی، در تبریز چاه سی گز به آب می رسید، در منطقه شام به ده گز و در ربع رشیدی از هفتاد گز باید می گذشت^۲. بنابراین در شام، دسترسی به آب آسان بود. اولیا چلبی که از این مکان در قرن یازدهم دیدن کرده، می گوید حتی در تابستان آبی که از چاه بیرون کشیده می شود، مانند یخ سرد است^۳.

قطع نظر از ترکان صحراگرد، دسته های فراوانی از قبایل بیابانگرد مغول قلمرو ایلخانان کوچ کرده بودند^۴ و در تمام طول سال، در پی علف گشتن مشخصه کلی این صحراگردان بود. سکونت اینان در یک شهر علی القاعده باید نشان وجود مرغزارهای قابل توجه در آن باشد^۵، لذا به غیر از آب فراوان می بایست چمنزارهای وسیعی نیز در آنجا وجود داشته باشد، زیرا رشیدالدین پیوسته از مرغزار شام یاد کرده است^۶. این دو (آب و علف) مهم ترین عناصر برای کوچ نیشنان و مردم چادرنشین است که در پی آن اند که در نزدیکی مناطق شهری اقامتگاهی برای خود بیابند. آنان هرگز اندیشه زیستن در تنگنای فضای شهر را به سر راه نمی دهند^۷. از این رو هنگامی که مسایل تاریخ ایران بعد از سلجوقیان را مورد مطالعه قرار می دهیم همواره باید ذهنیت چادرنشینان طبقه حاکمه را در نظر بگیریم.

۱. رشیدالدین، همان، ۸۲۳.

۲. مستوفی، *نزه القلوب*، ۷۷؛ ابن بطوطه نیز از آب فراوان این منطقه یاد کرده است، نک: ابن بطوطه، ۲۸۴/۱.

۳. اولیاء چلبی، ۲۹.

۴. مستوفی، *نزه القلوب*، ۶۴، ۶۶، ۸۳، ۸۵؛ اشپولر، برآمدن مغولان، ۱۷۶.

۵. پطروشفسکی، *اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان*، ۴۶۲/۵.

۶. رشیدالدین، *جامع التواریخ*، ۹۱۶.

۷. داماساشی، ۲۶۲.

بنابراین، شام در وهله اول مکانی مطلوب برای زیستن قبایل چادرنشین بود و سپس تبدیل به اقامتگاه خان‌های مغول و افسران ایشان به هنگام اقامت آنان در تبریز شد. غازان بعد از پیروزی بر «بایدو» دشمن و خان سابق تبریز به هنگام دیدار از تبریز در آنجا اقامت کرد.^۱ همچنین اسناد بسیاری درباره اقامت موقت خان‌های قبایل حکمران بعدی در شام که بعد از غازان «شنب غازان» نام گرفت وجود دارد.^۲ از جمله ملک اشرف چوپانی (۷۵۸-۷۴۴هـ)،^۳ احمد جلایری (۸۱۳-۷۸۴هـ)،^۴ امیر تیمور (حک: ۷۷۱-۸۰۷هـ)،^۵ امیر قرایوسف ترکمان (حک: ۷۹۱-۸۲۳هـ)^۶ و حتی شاه اسماعیل و شاه طهماسب صفوی همواره در شام غازان اقامت کرده و سران سپاه را در آنجا به حضور می‌پذیرفته‌اند.^۷

از طرف دیگر باید گفت چون شهر تبریز دارای اهمیت اقتصادی مهمی برای حکام مغول بود، غازان خان مایل بود مقبره‌اش و نیز بنیادهای خیریه وابسته به آن، تبدیل به زیارتگاه شود و از این نظر مکان غازانیه را برگزیده بود که محل مطلوبی برای گردهمایی بازرگانان و قبیله‌نشینان بود. وی برای عملی کردن نیت خود فرمان داد بازرگانانی که از روم و اروپا می‌آیند باید مسیر خود را به طرف غازانیه بگردانند و بارهای خود را آنجا بکشایند.^۸ برای تاجرانی که از ممالک مزبور به شام غازان می‌آمدند، هزار عامل مالیاتی تعیین شده بود که این امر حکایت از موقعیت تجاری آن دارد؛^۹ بدین ترتیب انتخاب شام برای مقبره تصادفی نبوده است.

شام غازان با اندک تغییرات در رویکردها، منبع الهام برای ایجاد شهرک دانشگاهی ربع رشیدی شد. به نظر می‌رسد در دوره ایلخانی، ایجاد شهرک‌هایی در بیرون شهر (شام غازان در غرب و ربع رشیدی در شرق) از گسترش بی‌اندازه هسته مرکزی و اصلی تبریز جلوگیری کرده و مانع از فجایع انسانی در اثر گسترش بی‌رویه شهر شده است.^{۱۰}

۱. رشیدالدین، همان، ۹۳۳، ۹۱۷، ۹۰۸.

۲. حسن بیک روملو، ۹، ۱۸.

۳. میرخواند، ۹۸۲؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۳۱۲.

۴. حسن بیک روملو، همان، ۱۲۰.

۵. شرف‌الدین علی یزدی، ۵۶۲/۱.

۶. عبدالرزاق سمرقندی، ۶۵۶؛ حسن بیک روملو، ۸۳، ۷۵، ۶۴، ۴۲.

۷. داماساشی، ۲۶۲-۲۶۳.

۸. رشیدالدین، همان، ۹۹۶.

۹. عون‌الهی، ۶۸.

۱۰. نک: رشیدالدین، همان، ۹۹۵.

از جمله مورخانی که در این شهرک متولد شده‌اند می‌توان به نظام الدین شامی، مورخ امیر تیمور، اشاره کرد.

غازانیه بعد از غازان خان

غازان در سال ۷۰۳ هـ درگذشت^۱. وی را با تشریفات ویژه‌ای در مقبره شام غازان دفن کردند^۲. در هر گوشه از مقبره او شمعی برافروخته بود و شب و روز عود و عنبر می‌سوخت. برای مرقد غازان صندوقی مرصع از چوب ساج ساختند و در آن فرش‌های ابریشمی گسترده و پرده‌های زربفت آویختند. اما اندکی پس از مرگ غازان، ناگهان شکستی در بنای رفیع روی داد و قبه فرو ریخت، بسیاری از مزدوران گرجی و چهارپایان زیر آوار تباہ شدند و فقط چوب‌بست‌هایی که بر سر مقبره بود، همچنان استوار بر جای مانده بودند. مقبره از حادثه دور ماند و چون مردم این وضع را مشاهده کردند، همه آن را بر کرامات غازان خان حمل کردند. از این رو مقبره آباد شد^۳ و پیرامون آن پیکره یک شهر شکل گرفت، اقدامات خیرخواهانه نیز همچنان ادامه داشته چرا که ابن بطوطه که در دوره ابوسعید (۷۱۷-۷۳۶ هـ)، آخرین ایلخان مقتدر، از شام غازان دیداری داشته از دو مدرسه زیبا با زاویه‌ای که در آن برای صادر و وارد طعام داده می‌شد، سخن می‌گوید^۴.

ایلخانان بعد از غازان، هنگامی که به تبریز می‌رفتند در آنجا اقامت می‌کردند و گنبد غازانی نیز تبدیل به آرامگاه خانوادگی آنان گردیده بود^۵.

بعد از ایلخانان، جلاریان و آل چوپان از شام غازان به عنوان یک دژ مستحکم و پایگاه نظامی استفاده کردند^۶. در دوره تیموری، تیمور لنگ بعد از شکست سلطان احمد جلایری آنجا

۱. رشیدالدین، همان، ۹۶۳؛ کاشانی، ۱۵.

۲. ابن تغری بردی، ۲۱۲/۸؛ Minorsky, 10/44.

۳. کاشانی، ۵۳.

۴. ابن بطوطه، ۲۸۳/۱.

۵. اولجایتو و دیگر خانان به همراه خواتین و امرا در آنجا اقامت می‌گزیدند (نک: کاشانی، ۳۱، ۴۱، ۴۴، ۷۴). همچنین اولجایتو را پسری به نام ابوالخیر کنیت بوده که در کودکی به سال ۷۰۹ هـ وفات یافت، او را به تبریز آورده و در گنبد عالی غازانی دفن کردند (نک: کاشانی، ۴۳). به سال ۷۰۹ آشیل، خاتون غازان، وفات یافت. وی را نیز در گنبد عالی غازانی دفن کردند (نک: کاشانی، ۸۹).

۶. نک: میرخواند، ۹۸۲؛ شرف الدین علی یزدی، ۱/ ۵۶۲؛ عبدالرزاق سمرقندی، ۶۵۶.

آنجا را به عنوان اقامتگاه تابستانی خود انتخاب نمود و اکابر، اشراف و قاضی شهر تبریز در آنجا به حضور وی رسیدند.^۱ قرایوسف ترکمان نیز به سال ۸۱۰ هـ در شام غازان اردو زد و گرداگرد آن را خندق کند و از آنجا جنگ را برضد میرانشاه تیموری تدارک دید.^۲ اما باید گفت بعد از سقوط حکومت ایلخانان و کمبود درآمد موقوفات، به تدریج این مجموعه رونق اولیه خود را از دست داد.

شام غازان همچنان باقی بود تا آنکه در عصر صفویه که آذربایجان به مرکزیت تبریز کانون جنگ عثمانی و صفوی شده بود، رو ویرانی نهاد. ابراهیم پاشا، وزیر سلطان سلیمان قانونی، در سال ۹۴۱ هـ بعد از اشغال تبریز در شام غازان قلعه‌هایی نظامی ایجاد و آنجا را تبدیل به پایگاهی نظامی برای حمله به صفویان کرد.^۳ شاه عباس صفوی نیز، بعد از آزادسازی تبریز از دست قوای عثمانی در ۱۰۱۱-۱۰۱۲ هـ برای سکونت در شهر جای آبادی را نیافت و ناگزیر در شام غازان به بار عام نشست. شاه عباس که گمان می‌کرد در صورت برپا ماندن شام غازان، پناهگاه خوبی برای لشکر عثمانی می‌تواند باشد، حکم به ویرانی حصار استوار آن بنا داد که در مدت چهار روز آن را برکنند. شاه عباس از مصالح شام غازان برای برپایی دژی در جانب دیگر شهر، یعنی ربع رشیدی استفاده نمود.^۴

علاوه بر نبردهای گوناگون و تغییر سلسله‌های حکومتی و حمله‌های متعدد و غالباً ویرانگر عثمانی‌ها، عواملی نظیر زلزله نیز در ویرانی بناهای شام غازان مؤثر بود، که همواره آسیب‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری بر مردم و آثار معماری شهر وارد کرده است. حاجی خلیفه که در سال ۱۰۴۵ هـ از شام غازان دیدار کرده، از تأسیسات دوره ایلخانی اثری نیافته، و ویرانی بخشی از مقبره غازان را ناشی از زلزله شمرده است.^۵ گنبد مقبره نیز به سبب زلزله سال ۱۶۵۱ م ترک برداشت و زمانی که شاردن در دهه ۱۶۶۰ م از این مقبره دیدار کرد، گنبد فرو ریخته بود.^۶ به گفته فلاندن که در سال ۱۸۴۲-۱۸۴۰ م از ایران دیدار کرده بود، مسجد غازییه بر اثر زلزله

۱. شرف‌الدین علی یزدی، ۵۶۲/۱.

۲. عبدالرزاق سمرقندی، ۶۵۶.

۳. Minorsky, 10/46.

۴. نادر میرزا، ۸۹-۹۰/۴؛ Minorsky, 10/46.

۵. به نقل از: همانجا.

۶. شاردن، ۲۹۰/۲.

پایان قرن هجدهم به کلی ویران و متروک بود.^۱ در قرن نوزدهم مسافران اروپایی تنها شاهد ویرانه‌های این بناهای کهن بودند.^۲ همین ویرانه‌ها نیز در دوره قاجار به فتوای یکی از علمای تبریز با خاک یکسان شد.^۳ نادر میرزا می‌نویسد: «من به سال ۱۲۵۸ هـ به دیدن آن آثار شدم بعضی از دیوارها و حجره‌ها بمانده بود... اکنون از آن بنا تلی به جای است همه از شکسته‌های آجر و کاشی».^۴ دونالد ویلبر نیز محل شام غازان را در سه کیلومتری غرب مرکز فعلی شهر تبریز نوشته؛ وی در سالی که از محل بازدید کرد (۱۹۳۷ م) با تپه‌ای با انبوه آجر و سفال مواجه شد^۵ که امکان ردیابی هیچ‌گونه خط یا خطوطی برای ترسیم پلان وجود نداشت. ویرانه‌های غازانیه تا ۱۹۶۰ م وجود داشته^۶، اما در پی گسترش شهر جدید تبریز به تدریج محو شد و از آن پس اثری از آن بر جای نمانده است.»

نتیجه

در دوره غازان، خاطره چنگیز و آیین وی به کناری گذاشته شد، زیرا فرهنگ عشیره‌ای مغول و آیین یاسایی که تنها در میان قبایل صحراگرد و در عرصه کارزار و غارت می‌توانست قدرت‌نمایی کند، در جدال تمدنی و فرهنگی و حکومت که چیزی برای ارائه نداشت، آرام آرام رنگ باخت. اخلاف چنگیزخان برای تضمین ماندگاری خود به ضرورت تغییر در نگرش‌های قبيله‌ای و کوچ‌نشینی پرداخته به رعایت اعتقادات مردمی که تحت نفوذ قدرت آنان بودند توجه نشان دادند. نمایش روند سازماندهی قلمرو ایلخانی و پذیرش باورداشته‌های مردم در دوره غازان، نمایانگر حالت انفعالی این قوم در مقابل قوم مغلوب بود، حالتی که از احساس نیاز دوجانبه فرمانروایان به ماندگاری و فرمان‌بران به محدودیت‌سازی خشونت نشأت می‌گرفت. تأسیس شهرک غازانیه تبریز نمادی از تمایل حاکمیت خشن مغولی به نوعی تسامح سیاسی و اندیشه پرداختن به وضع رعایا و گذار از دوره کوچ‌رویی به دوره یک‌جانشینی بود. چنان‌که

۱. فلاندن، ۸۸.

۲. داماساشی، ۲۶۵.

۳. جوادی، ۱۱۸.

۴. نادر میرزا، ۱۲۳.

۵. ویلبر، ۱۳۵.

۶. داماساشی، همانجا، جوادی، همانجا.

می‌بینیم در این شهرک، همان شوری که در اوایل تهاجم مغولان به ویرانگری وجود داشت، در آبادانی و توجه به حال رعیت متجلی گردیده است.

کتابشناسی

- آذرنوش، آذرتاش، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نشر نی، چاپ چهارم ۱۳۸۳ ش.
- اقبال آشتیانی، عباس، تاریخ مغول، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۵ ش.
- آیتی، عبدالمحمد، تحریر تاریخ و صاف، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۶ ش.
- ابن بطوطه، سفرنامه ابن بطوطه، ترجمه محمد علی موحد، تهران، آگاه، ۱۳۷۰ ش.
- ابن تغری بردی، جمال‌الدین ابن المحاسن یوسف، النجوم الزاهرة فی ملوک مصر و القاهرة، قاهره، مطبعة دارالکتب المصریة، ۱۳۵۷ ق.
- اشپولر، برتولد، «اوضاع سیاسی ایران»، ایلخانان، ترجمه یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، ۱۳۸۴.
- همو، تاریخ مغول در ایران، ترجمه محمود میر آفتاب، تهران، علمی و فرهنگی، ۱۳۷۶ ش.
- همو، «برآمدن مغولان»، ترکان در ایران، ترجمه و تدوین یعقوب آژند، تهران، انتشارات مولی، چاپ اول ۱۳۸۵ ش.
- اولیا چلبی، سیاحتنامه اولیاء چلبی (قسمت آذربایجان)، ترجمه حاج حسین آقا نخجوانی، تبریز، بی نا، ۱۳۳۸ ش.
- بیانی، شیرین، دین و دولت در ایران عهد مغول، تهران، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲ ش.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولویچ، «اوضاع اجتماعی - اقتصادی ایران در دوره ایلخانان»، تاریخ ایران کمبریج، ج ۵، ترجمه حسن انوشه، تهران، امیر کبیر، ۱۳۸۱ ش.
- پوپ، آرتور، معماری ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران، اختران ۱۳۸۲.
- فلاندن، اوژن، سفرنامه اوژن فلاندن به ایران، ترجمه حسین نور صادقی، تهران، اشراقی، ۱۳۵۶.
- جوادی، شفیع، تبریز و پیرامون آن، تبریز، بنیاد فرهنگی پهلوی، ۱۳۵۰.
- حسن بیک روملو، احسن التواریخ، به اهتمام عبدالحسین نوائی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران، ۱۳۴۹.
- خواند میر، غیاث‌الدین بن همام، تاریخ حبیب السیر فی اخبار افراد البشر، تهران، خیام، ۱۳۳۳ ش.
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۳۷ ش.
- رجب‌زاده، هاشم، آیین کشورداری در عهد رشیدالدین فضل‌الله همدانی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۷ ش.

- رشیدالدین فضل‌الله همدانی، *تاریخ مبارک غازانی*، به سعی و اهتمام کارل یان و هرتفورد، انگلستان، ستفن اوستین، ۱۳۵۸ ق / ۱۹۴۰ م.
- همو، *جامع التواریخ*، به کوشش بهمن کریمی، تهران، ۱۳۶۷ ش.
- شاردن، ژان، *سیاحتنامه شاردن*، ترجمه محمد عباسی، ج ۲، تهران، امیرکبیر، ۱۳۴۹.
- شرف الدین علی یزدی، *ظفرنامه*، تصحیح و تحقیق عبدالحسین نوایی، کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران، ۱۳۸۷.
- عبدالرزاق سمرقندی، *مطلع السعدین و مجمع البحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲.
- عون اللهی، سیدآقا، *تاریخ پانصد ساله تبریز*، ترجمه پرویز زارع شاهمرسی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۷.
- کاشانی، ابوالقاسم، *تاریخ اولجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸ ش.
- گدار، آندره، *هنر ایران*، ترجمه دکتر بهروز، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
- لمبتن، آن، *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران، نشر نی، ۱۳۸۶ ش.
- مستوفی قزوینی، حمدالله، *تاریخ گزیده*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، انتشارات امیرکبیر، تهران، همو، *نزهة القلوب*، به اهتمام و تصحیح گای لسترنج، تهران: ارمغان، ۱۳۶۲ ش.
- مشکور، محمد جواد، *تاریخ تبریز تا پایان قرن نهم هجری*، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۲ ش.
- مینورسکی، ولادیمیر، *تاریخ تبریز*، ترجمه عبدالعلی کارنگ، تبریز، کتابفروشی تهران، ۱۳۳۷ ش.
- میرخواند، میر محمد بن سید برهان‌الدین خواوندشاه، *تاریخ روضة الصفا*، تهذیب و تلخیص عباس زریاب، انتشارات علمی، چاپخانه مهارت، ۱۳۷۳ ش.
- نادر میرزا، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، مقدمه و تصحیح و تحشیه غلامرضا مجد، تبریز، ستوده، ۱۳۷۳ ش.
- نخجوانی، *دستور الکاتب فی تعیین المراتب*، به سعی و اهتمام عبدالکریم علی اوغلی علی زاده، مسکو، ۱۹۶۴.
- نسوی، نورالدین محمد زیدری، *سیره جلال‌الدین منکبرنی (یا تاریخ جلالی)*، ترجمه محمد علی ناصح، تهران، بی‌تا، بی‌نا.
- وصاف الحضرة، شهاب‌الدین عبدالله عزالدین فضل‌الله شیرازی، *تاریخ وصاف*، تهران، ابن سینا (چاپ افسست)، ۱۳۳۸ ش.
- هندوشاه نخجوانی، هندوشاه بن سنجر عبدالله، *تجارب السلف در تاریخ*، اصفهان، نفائس مخطوطات، ۱۳۶۱ هـ.
- داماساشی، هنه، «غازانیه در تبریز»، *شهرنشینی در اسلام*، ج ۲، ترجمه مهدی افشار، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۳ ش.

هینس، والتر، *اوزان و مقیاس‌ها در اسلام*، ترجمه و حواشی دکتر غلامرضا ورهرام، تهران، موسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۸ ش.
ویلیبر، دونالدن، *معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان*، ترجمه دکتر عبدالله فریار، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۶ ش.

Minorsky. V., s.v. "Tabriz", *Encyclopedia of Islam*, New Edition, Leiden. E. J. B. Brill, 2000, V. 10, 41-50.